

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال نهم - شماره اول - بهار ۱۳۹۵ - شماره پیاپی ۳۱

معرفی نسخه خطی «قربادین معصومی» و بررسی ویژگیهای رسم الخطی و سبک -

شناسی آن

(ص ۴۱-۱۹)

محمد رضا اولیاء<sup>۱</sup>، عطا محمد رادمنش (نویسنده مسئول)<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۵/۱/۲۳

#### چکیده :

بررسی نسخ خطی پزشکی از حیث شناساندن تاریخ علم، استفاده از محتویات آنها برای پایه گذاری دانشهای نوین و اطلاع یافتن از ویژگیهای ادبی دوره ای که در آن تألیف شده اند از اهمیت ویژه ای برخوردار است. به همین جهت بررسی و تصحیح آنها حتی اگر در رده آثار درجه یک ادبی نباشند، میبایست در اولویت محققان فعال در این حوزه قرار گیرد. در این مقاله مهمترین ویژگیهای رسم الخطی و سبک شناسی - در سه سطح فکری، زبانی و ادبی - همراه با معرفی مختصر محتویات نسخه خطی «قربادین معصومی» اثر معصوم بن کریم الدین شوشتری شیرازی، یکی از مهمترین کتابهای پزشکی تألیف شده در عصر صفوی که مؤلف در آن از آرای بیش از چهل حکیم متقدم و معاصر خود و نیز منابع معتبری چون کامل الصناعه، ذخیره خوارزمشاهی، قانون، الاسباب والعلامات و ... بهره جسته است و به شماره ۶۳۲۲ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به ثبت رسیده است. این مقاله به این سوال پاسخ میدهد که اولاً میزان تأثیرپذیری و تأثیرگذاری متقابل قربادین معصومی و دیگر کتب نوشته شده در این موضوع تا چه اندازه است و در ثانی معصومی در نگارش این اثر چه سبک نوشتاری را با توجه به موضوع کتاب و دوره ای که در آن میزسته برای نگارش اثر خود برگزیده است؟

**کلمات کلیدی:** قربادین معصومی، نسخه خطی، سبک شناسی، معصوم بن کریم الدین شوشتری شیرازی.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

<sup>۲</sup> استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران .

## ۱- مقدمه

زبان و ادبیات فارسی همواره به حضور شاعران و نویسندگان بزرگ در ادوار مختلف تاریخی مفتخر بوده است. شاعران و نویسندگانی که با نگاشتن آثار بی نظیر خود نه تنها پرچمدار فرهنگ و ادب این مرز و بومند بلکه تألیفات آنها سندهای موثقی است که بر اوضاع سیاسی، اجتماعی و ادبی ایران در اعصار مختلف صحنه میگذارد. این آثار چه در حوزه ادبی در سلک تحریر در آمده باشند و چه در شاخه های مختلف علوم دیگر، آینه ای هستند تمام نما که پیشرفتهای پیشینیان در قرون گذشته و سطح علمی مؤلفان خود را نمایان میسازند.

در عصر صفوی به سبب نفوذ اسلام به عنوان دین رسمی ایران بسیاری از علوم از جمله علم پزشکی و داروسازی در حاشیه قرار میگیرد و نگارش کتابهای دینی و فقهی قوت مییابد. با این حال حتی کوچ بسیاری از دانشمندان و حکیمان به دیگر کشورها به واسطه بی مهری دربار صفوی نسبت به آنان، مانع نگارش کتب معتبر در این حوزه نمیشود. هر چند در این دوره کتابی چون قانون ابن سینا که در بردارنده دانش مشروح پزشکی است، تحریر نمیشود؛ اما آثار مهمی در مطالعات بالینی و تجربی به رشته تحریر درمیآید که چراغ کم سوی این دانش را همچنان روشن نگاه میدارد. (تاریخ ادبیات ایران، صفا، ج ۳: ص ۴۹)

کتاب «قربادین معصومی» اثر معصوم بن کریم الدین شوشتری شیرازی که در نیمه دوم قرن یازدهم و در سال ۱۰۵۹ هـ ق در علم داروسازی، ادویه مفرد و مرکب نوشته شده است (قربادین معصومی، ۲پ)، علاوه بر ابداعات مؤلف در ترکیب ادویه، وامدار اطلاعات کتابهای مهمی چون قانون، کامل الصناعه، منهج البیان، ذخیره خوارزمشاهی و ... نیز هست.

این اثر با آنکه در موضوعی ادبی نوشته نشده است؛ اما به سبب ویژگیهای سبکی و نیز برخی ساختارهای کهن فارسی بکار رفته در آن قابل توجه است.

## ۱-۱- بیان مسئله

بر همگان آشکار است که نسخ خطی فارسی از دو جهت اهمیت فراوانی برای پژوهشگران دارند: اول آنکه حفظ این آثار سبب انتقال اطلاعات نهفته در محتویات کتاب فراخور موضوعی که در آن نگارش یافته، میشود، ثانیاً گویای ویژگیهای نظم و نثر رواج داشته در ادوار ادبی ایران است.

کتاب قربادین معصومی با آنکه در موضوع طب سنتی نوشته شده است؛ اما بررسی این اثر از لحاظ ویژگیهای سبکی و رسم الخطی به کار رفته در آن میتواند پاسخی باشد بر میزان تأثیرپذیری و تأثیرگذاری متقابل قربادین معصومی و دیگر کتب نوشته شده در این موضوع و نیز چند و چون سبک نوشتاری مخصوصی که مؤلف با توجه به موضوع کتاب و دوره ای که در آن میزسته برای نگارش اثر خود برگزیده است.

### ۱-۲- ضرورت و اهمیت تحقیق

در این تحقیق بر آنیم تا با معرفی نسخه تصحیح نشده «قربادین معصومی» از بعد محتوایی و بررسی مختصات سبکی آن در سطوح فکری، زبانی و ادبی علاوه بر شناساندن سبک رایج در نگارش کتب علمی دوره صفوی، به تأثیر پذیری وی از دیگر بزرگان ادب فارسی، تعیین جایگاه مؤلف در طبقه بندی آثار فارسی و مشخص نمودن تأثیر وی در جریان تکامل ادب فارسی بپردازیم.

### ۱-۳- پیشینه تحقیق

با آنکه کتاب «قربادین معصومی» از جهت تجمیع حجم بالایی از نسخه های پزشکی از کتب معتبری که چه در داخل و چه در خارج از مرزهای ایران تا زمان صفویان نوشته شده است و نیز ابداعات دارویی مؤلف در این اثر کم نظیر به نظر میآید؛ اما تاکنون مورد بازخوانی، تحقیق و پژوهش قرار نگرفته است و آنچه که در کتب تذکره، تاریخ ادبیات و فهرست نسخ خطی در مورد این کتاب نوشته شده است تنها محدود به نام این کتاب و نام نویسنده آن است.

### ۱-۴- روش انجام پژوهش :

به سبب علاقه نگارندگان در درجه اول به نسخ خطی فارسی و در درجه دوم نسخ نوشته شده در موضوع طب سنتی، از میان نسخ خطی موجود در این زمینه «قربادین معصومی» اثر معصوم بن کریم الدین شوشتری شیرازی را از میان انبوه نسخ در دسترس برگزید. از میان نسخ موجود از این کتاب گرانمایه با بررسی دقیق اصح این نسخ که متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی است برای بررسی و شرح محتوای اثر و تحلیل ویژگیهای سبک شناسی آن برگزیده شد.

### ۲- بررسی محتوایی نسخه خطی قربادین معصومی

پیش از آنکه سخنی از بررسی سبک شناسی و ویژگیهای رسم الخطی نسخه خطی «قربادین معصومی» که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری میشود، به میان آوریم، لازم است بطور مختصر به معرفی علم قربادین و نیز محتویات این کتاب بپردازیم.

«قربادین از ریشه سریانی grafidion به معنای رساله مختصر است. این دانش به ترکیب داروهای مفرد با یکدیگر میپردازد. به کتابهایی که درباره شناخت داروها و ترکیبات آنها نوشته میشود نیز «قربادین» میگویند. (قربادین، سلطانی نژاد: ص ۷)

لغت نامه دهخدا ذیل کلمه «قربادین» آورده است: «علمی است که به شناخت ماهیت و خواص ادویه مفرد و مرکبه میپردازد.» (لغت نامه دهخدا، ذیل قربادین)

ابن سینا در تعریف قربادین آورده است: «قربادین، یا داروسازی یکی از مباحث اصلی در پزشکی سنتی است. لزوم داروسازی زمانی بیشتر احساس میشود، که داروی تکی نتواند بیماری را معالجه نماید، یا شخصی چند بیماری داشته باشد. در این صورت ممکن است یک داروی ساده نتواند بیمار را معالجه نماید. البته اگر یک داروی تکی پیدا شود که به تمامی موارد مورد نیاز بیمار پاسخ دهد و

بیمار و بیماریها را کفایت نماید، بهتر است با همان داروی تکی معالجه گردد و از بکار بردن داروهای مرکب پرهیز شود.» (قانون در طب، ترجمه عبدالرحمن شرفکندی)

«قربادین معصومی» که کتابی است ارزشمند با موضوع داروشناسی و به طور اخص «قربادین» اثر معصوم بن کریم الدین شوشتری شیرازی از حکیمان عصر صفوی است که متأسفانه جزییات دوران زندگی و مرام و مسلک وی با وجود فراوانی تذکره‌های نوشته شده در عصر او در هیچ کتابی ثبت نشده است و تنها اثری که از او نام برده است «الذریعه الی تصانیف شیعه» است که به ذکر نام مؤلف، نام اثر، تاریخ نگارش آن (۱۰۵۹ هـ.ق) و شیعه بودن معصومی بسنده کرده است. (الذریعه الی تصانیف شیعه، تهرانی، ج ۳: ص ۳۲۰). قربادین معصومی که از حیث سادگی دستورات پزشکی به کتاب «من لا یحضره الطبیب» زکریا رازی شبیه است به شیوه ذخیره خوارزمشاهی - نخستین دایره المعارف طبی ایرانی - به زبان فارسی نوشته شده است. نگاهی گذرا به این اثر از طرفی گویای تسلط نویسنده به زبانهای یونانی، سریانی، هندی و عربی به سبب ترجمه و تفسیر برخی ترکیبات دارویی در فایده نهم مقدمه (در تفسیر و ترجمه تراکیب و معاجین به زبان یونانی و عربی و فارسی و هندی) است و از طرف دیگر به شیوه‌ای ملموس تأثیر متقابل طب شرقی و اروپایی و طب ایرانی بر یکدیگر را نشان میدهد.

نمونه‌ای از نثر این فصل:

تریاق فاروق: هر دوائی مرکب که به خاصیت با سموم مقاومت کنند، تریاق گویند و این اسمی است یونانی

فاروق: یعنی فرق کننده میان دو قوت، یکی قوه طبیعت و دیگر قوت زهر و تریاق کبیر نیز گویند از بهر بزرگی و بسیاری نفع و خاصیت که در این ترکیب هست.

مشرودیطوس: اسمی است یونانی و نام حکیمی که متمم این ترکیب بوده یا نام پادشاه آن زمان.

تریاق اربعه: عربی است یعنی که از چهار مفرد مرکب شده و این اول تریاقی بود که اندروماخس اول ترکیب کرده است. (۲۲پ)

اثر مذکور علاوه بر آنکه اطلاعات مهمی در مورد منافع و مضرات مواد نباتی، حیوانی و گیاهی بکار رفته در ترکیب نسخه‌ها و همچنین طریقه شستن و سم زدایی از آنها در اختیار خواننده قرار میدهد؛ حاوی نسخه‌های متنوعی از ادویه مفرد و مرکب است که ذیل هر کدام به تفصیل به شرح مواد تشکیل دهنده، نحوه تهیه، روش تأثیرگذاری و شیوه مصرف هر دارو پرداخته شده است. این نسخه‌ها یا شامل ادویه‌ای است که مؤلف با آزمودن آنها خود ابداع کرده است و از آن با عنوان «نسخه مؤلف» یاد میکند :

یاقوتی دیگر، نسخه مؤلف: ضعف دل که به سبب سردی باشد و مزاج پیران را موافق بود.

ص: زرنباد و درونج و گاوزبان از هر یک، سه درم؛ جند بیدستر و قاقله کبار و قرفه و بادرنجبویه از هر یک، دو درم؛ مرجان، اشنه و قرنفل و زنجبیل و بهمنین از هر یک، سه درم، یاقوت و بستد و مروارید بکر و مرجان از هر یک، دو درم، فادزهر و مشک خالص و عنبر اشهب از هر یک، نیم درم؛ زر محلول دو دانگ. اجزا کوفته و بیخته با سه چندان عسل بسرشند و شربتی یک مثقال بدهند. (۳۶). و یا حاصل مطالعه و یادداشتهای او از کتابهای مهمی چون الاسباب و العلامات، قانون، منهاج البیان، کامل الصناعه، ذخیره خوارزمشاهی و آثار بیش از چهل نویسنده دیگر از بقراط و جالینوس و افلاطون و یوحنا سیرانی گرفته تا محمد زکریا رازی، بدرالدین قلانسی، عماد الدین محمود شیرازی، میر محمد باقر داماد، میرزا منصور خان، مولانا شمس اردبیلی و ... که در متن به نام آنان اشاره شده است. از میان آثار و حکیمان نام برده شده ارادت معصومی به قانون ابن سینا، کامل الصناعه مجوسی اهوازی و منهاج البیان ابن جزله بیش از دیگر آثار است و در مواردی که دارویی خاص دارای ترکیبات متفاوت در کتب پیشینیان است ترجیح او به استناد به «کامل الصناعه» است:

«و عجبت اینک نسخه‌های این معجون همه مشوش است و هر نسخه که در کتابی است با دیگری برابر نیست هم در اوزان دواها و هم در مقدار و هم در ترتیب متفاوت و مختلف است و نسخه ای که صاحب کامل الصناعه آورده است، این است:

ص: مشک خالص دو درم؛ مروارید ده درم؛ ورق طلا و نقره از هر یک، نیم درم؛ زرنب نیم درم؛ ابریشم مقرض چهار درم؛ زعفران ده درم؛ قرنفل و سنبل الطیب از هر یک هشت درم؛ ایرسا یک درم؛ حماما، دو درم؛ مصطکی سه درم؛ دبق و سادج از هر یک، هشت درم؛ حب بلسان نیم درم...» (۵۱) استفاده معصومی از آثار حکیمان متقدم تنها محدود به ذکر ترکیبات دارویی از آنها نمیشود. موارد زیر گویای الگوبرداری وی از شیوه‌نگارش حکیمان پیش از خود است:

۱- مقایسه ای اجمالی میان قربادین معصومی و ذخیره خوارزمشاهی به عنوان جامعترین کتابی که پیش از مؤلف در طب سنتی به رشته تحریر در آمده است، نشان میدهد که هر چند قربادین معصومی از حیث کامل و جامع بودن به پای این اثر نرسیده و فاقد بخشهای مربوط به فیزیولوژی بدن، فرایند تشخیص بیماریها و علائم و نشانه های بروز و بهبود بیماری است، اما معصومی در ایجاد نظم منطقی در عنوانبندی کتاب، طبقه - بندی کتاب به بابها و فصلهای متنوع و بیان مطالب به شیوه ای مستدل و همگون پیرو شیوه ای است که اسماعیل جرجانی در کتاب خود ملاک قرار داده است. بر همین اساس معصومی قربادین خود را در سه بخش اصلی تنظیم کرده است که هر بخش شامل چندین فایده، مقاله، فصل، باب و اشاره به شرح ذیل است:

بخش اول مقدمه ای شامل دوازده فایده:

فایده اول: در بیان سبب احتیاج به دوی مرگب و کیفیت ترکیب ادویة مرگبه ؛ فایده دوم: در بیان شستن حجریات و غیر ذلک؛ فایده سوم: در بیان قاعده سوختن ادویة مرگبه که باید سوخت [و]

تکلیس نمودن حجریات و فلزات و معدنیات و بریان نمودن بذور و مشوی نمودن سقمونیا و اسقیل و مانند آن؛ فایده چهارم: در بیان تنقیه اجساد سببه و روش پروردن ادویه؛ فایده پنجم: در دانستن حلّ طلق و عقد سیماب و کیفیت ساییدن طلا؛ فایده ششم: در استخراج عسل بلادر و گرفتن دخان کندر و خفه کردن ذراریح و اصلاح دبق؛ فایده هفتم: در بیان معرفت بدل ادویه مفرده؛ فایده هشتم: در بیان اوزان و اکیال و الفاظی که در اوزان مصطلح اطبّاست؛ فایده نهم: در تفسیر و ترجمه اسامی تراکیب به زبان عربی و فارسی و یونانی و هندی؛ فایده دهم: در دانستن هنگام استعمال و زمان مزاج ثانی و مدت بقا و اثر تراکیب؛ فایده یازدهم: در امتحان تریاق فاروق و مقدار تناول در هر مرض و آداب خوردن و چگونگی آن؛ فایده دوازدهم: در معرفت مزاج مرکبات و دانستن درجات آن به گرمی و سردی.

بخش دوم: شامل هفت مقاله و هر مقاله مشتمل بر چند باب و هر باب شامل چند فصل  
 مقاله اول: در ذکر تریاقات و مفرحات و انواع معاجین و جوارشات و اطریفات و آیاریجات، مشتمل بر شش باب:

باب اول: در تریاقات؛ باب دوم: در مفرحات؛ باب سیم: در انواع معاجین، مشتمل بر پنج فصل؛ فصل اول: در معاجینی که عمده و جزو معتمد آن افیون است یا آنکه به قدر محسوس افیون داشته باشد؛ فصل دوم: در ذکر معاجین کبار کثیرالفایده؛ فصل سیم: در بیان لبوب و معاجین مبهّی که [در] تقویت باه خصوصیت بیشتر دارد؛ فصل چهارم: در بیان معاجین مسهل و ملین؛ فصل پنجم: در باقی معاجین معروف و مشهور که مستعمل است؛

باب چهارم: در انواع جوارشات، مشتمل بر سه فصل: فصل اول: در جوارشات مسهل؛ فصل دوم: در جوارشات مبهّی؛ فصل سیم: در باقی جوارشات مقوی و ممسک و غیرممسک؛ باب پنجم: در اطریفات؛ باب ششم: در ذکر آیاریجات  
 مقاله دوم: در بیان شرابها [و لعوقات و مربّیات، ربّوب و انواع سکنجبین و خلویات و لعوقات مشتمل بر شش باب:

باب اول: در شربتها، مشتمل بر دو فصل؛ فصل اول: در شرابه‌های مسهل و ملین؛ فصل دوم: در شرابه‌های مقوی و مبهّی و ممسک و غیره؛ باب دوم: در ذکر لعوقات؛ باب سیم: در ذکر مربّیات؛ باب چهارم: در ذکر ربّوب؛ باب پنجم: در انواع سکنجبین باب ششم: در خلویات و سفوفات مُسمّن؛  
 مقاله سیم: در بیان حبوب و اقراص و شیافات و بنادق و سفوفات و ذرورات و نفوخت و بخورات و مشمومات، مشتمل بر نه باب:

باب اول: در ذکر حبوب، مشتمل بر دو فصل: فصل اول: در حبوب مسهل [و] ملین؛ فصل دوم: در حبوب ممسک و غیرمسهل؛

باب دویتم: در انواع اقراص مسهل و ممسک غیر ذلک؛ باب سیتم: در بنادق و شیافات مسهل و قابض؛ باب چهارم: در سفوفات، مشتمل بر دو فصل:

فصل اول: در سفوفات مسهل و ملین؛ فصل دویم: در سفوفات ممسک و غیرممسک و مقوی.

باب پنجم: در سفوفات؛ باب ششم: در ذرورات که در قروح و جروح مستعمل است؛ باب هفتم: در نفوخت؛ باب هشتم: در بخورات؛ باب نهم: در مضمومات؛

مقاله چهارم: در نقوع و مطبوخ و نطول و غرغره و قطور و سعوطات و در مایعات و مایشبه بالمایع فی القوام، مشتمل بر هشت باب:

[باب] اول: در بیان ماءالعسل و ماءالجبن و ماءالشعیر و ماءاللحم و ماءالاصول و خلّ عنصل و آبکامه؛ باب دویم: در مطبوخت مسهل؛ باب سیتم: در لعوقات؛ باب چهارم: در نطولات؛ باب پنجم: در غرغرات؛ باب ششم: در مضمضه؛ باب هفتم: در قطورات؛ باب هشتم: در سعوطات.

مقاله پنجم: در ذکر ضمادات و اطلیه و غسول و خضابات و ادّهان و مراهم، مشتمل بر هفت باب : [باب] اول: در ضمادات؛ باب دوم: در اطلیه؛ باب سوم: در غسول؛ باب چهارم: در خضابات؛ باب پنجم: در صبوغی که تغییر رنگ و عارضی و غیرعارضی کند؛ باب ششم: در ادّهان؛ باب هفتم: در مراهم.

مقاله ششم: در بیان مقینات و انواع حُقینها و شیافات مسهل و ممسک و مبهّی و فرزجات، مشتمل بر چهار باب:

باب اول: در مقینات؛ باب دوم: در بیان انواع حُقینهای مسهل و ممسک، مشتمل بر دو فصل:

فصل اول: در حقنهای مسهل؛ فصل دوم: در حقنهای ممسک و مبهّی.

باب سیتم: در شیافات مسهل و ممسک مشتمل بر دو فصل:

فصل اول: در شیافات مسهل؛ فصل دوم: در شیافات ممسک.

باب چهارم: در بیان فرزجات و حمولات که مخصوص به امراض زنان است.

مقاله هفتم: در ادویّه مرگبه که در امراض عین متعلّق است، مشتمل بر پنج باب:

باب اول: در کحلها؛ باب دویم: در ذرورات؛ باب سیتم: در برودات؛ باب چهارم: در شیافات؛ باب پنجم: در بیان اطلیه و ضمادات که در امراض عین خصوصیت بیشتر دارد.

بخش سوم، خاتمه ای در بیان اموری که متعلّق است به بیخ چینی و فادزهر، مشتمل بر دو فصل:

فصل اول: در اموری که به بیخ چینی متعلّق است و این فصل متضمن است بر هفت اشاره:

اشاره اول: در بیان کیفیت ظهور بیخ چینی؛ اشاره دویم: در معرفت طبیعت بیخ چینی؛ اشاره سیتم: در بیان دانستن نفع آن؛ اشاره چهارم: در شناختن خوبی و بدی چوب چینی؛ اشاره پنجم: در شرایط خوردن آن؛ اشاره ششم: در آداب پختن و آشامیدن؛ اشاره هفتم: در ذکر معاجین که از این بیخ مستعمل است.

فصل دوم خاتمه: در بیان معرفت فادزهر و دانستن فواید و طریق امتحان و روش خوردن آن، مشتمل بر سه اشاره:

اشاره اول: در معنی لفظ پادزهر و شناختن آن؛ اشاره دوم: در بیان فواید و خاصیت آن؛ اشاره سیم: در کیفیت خوردن آن و شرایط سبعة.

۲- گذشته از این بکارگیری نثری ساده در بیان مطالب پیچیده پزشکی، شرح کامل و جزء به جزء چگونگی آماده سازی جزء مرکب در هر دارو، تقدیم نشدن آن به شخصی خاص، تجویزهای حاصل از مطالعات بالینی و نیز استفاده تمام و کمال از اصطلاحات پزشکی و غیر پزشکی زبان فارسی، نثر این کتاب را به نثر «قربادین شفایی» اثر مظفر بن محمد حسینی شفایی متوفی سال ۹۶۳ هـ ق نزدیک میسازد. افزون بر آن تشابه میان عناوین هر دو اثر نمایانگر جامع الاطراف بودن نویسندگان هر دو اثر و اعتبار یافتن بیش از پیش متن قربادین معصومی است.

۲-۱- وجه تمایز قربادین معصومی با دیگر قربادینهای نوشته شده قبل از وی :

۲-۱-۱- نقش اجتماعی معصومی در شناساندن حکیمان متقدم و حفظ امانت در ذکر منابع مورد استفاده:

معصومی در میان قربادین نویسان تنها کسی است که ملزم به آوردن نام منابع یا نام استادان داروشناسی است که ترکیبی از آنها را در کتاب خود درج کرده است؛ حتی در مواردی که نام حکیمی که از وی دارو نقل شده، چندان مشهور نبوده و کتابی نیز از وی در دسترس نبوده از این قاعده بر نتافته و به دقت تمام نام منبع یا کاشف آن را ذکر کرده است. این اقدام معصومی علاوه بر آنکه ضمانتی بر آگاهی پزشکی وی و استفاده از حجم انبوهی از دست نوشته های طبی مهم پیش از اوست، نقش اجتماعی او را در شناساندن حکیمان گمنام پیش از خود در کنار تذکره نویسان آن دوران پر رنگ میکند. از این نمونه میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

● محمد زکریا رازی / معجون زراوند تألیف محمد زکریا: و این را معجون ربو نیز گویند که ربو و ضیق النفس و سرفه بلغمی را نافع باشد. (۷۲پ)

● یوحنا سیرانی / تریاق یوحنا سیرانی: جند بیدستر و پوست بیخ کبر و ریوند چینی و عاقرقاحا و... (۳۰ر)

● حکیم عزیز الله / مفرح دلگشا: تألیف حکیم عزیز الله به واسطه تفریح و نشاط و دفع وسواس مثل ندارد. (۳۳ر)

● ابوالبرکات / برشعنا نسخه ابوالبرکات: امراض قلب و معده را نافع باشد و امراض سوادوی و وسواس و مالیخولیا و بیخوابی و استسقا را سود دهد. (۴۵ر)

● غیائی / معجون غیائی: امراض بلغمی و صداع مزمن و صرع و سرفه بلغمی و ضیق النفس و اسهال کهنه را نافع بود. (۴۶ر)



● بوسلیم / معجون ابوسلیم: این ترکیب را فریادرس نیز خوانند؛ زیرا که تسکین دهندهٔ جمیع دردهاست. (۴۷ر)

۲-۱-۲- ذکر داروهای استفاده شده در درمان شخصیتهای سیاسی به جهت صحه گذاشتن بر اثر بخشی آنها:

وجود نسخه هایی به نام افراد صاحب نام؛ چون اسکندر، شاه طهماسب، الله وردی خان و ... در میان دیگر نسخ تجویز شده در این کتاب، گویای این مطلب است که مهارت پزشکان در بهم آمیختن ادویه و بدست آوردن ترکیب مناسب و تأثیرگذار در درمان بیماریهای مختلف نه تنها دارای مقبولیت عام بوده، بلکه درجهٔ اعتبار این داروها تا به آنجاست که برای درمان بیماریهای شخصیتهای مهم کشوری مورد استفاده قرار می گرفته است. نمونه هایی از این نسخه ها عبارتند از :

\*مفرح دیگر از اطبای قزوین جهت شاه طهماسب ترکیب کرده بودند: نشاط آورد و تقویت باه را سودمند باشد و ضعف دل و دماغ را نافع بود و ... (۳۸ر)

\*سفوف ارسطاطالیس: که از بهر اسکندر ساخته. طعام هضم کند و بوی دهان خوش کند و دل را قوت دهد و معدهٔ فاسد را باصلاح آورد و زردی رنگ را برطرف سازد. (۱۴۶ر)

\*یاقوتی کبیر: سید سلمان که رئیس و مقدم اطبای شاه عباس صفوی بود از برای الله وردی خان حاکم فارس که در نهایت جبروت بود، ساخته و فواید و نفع آن معجون بسیار بود از جمله قوت بدن نگاه دارد و سنگ و ریگ کرده و مثانه بریزاند و امراض سوداوی و ... (۵۳ر)

۲-۱-۳- اختصاص فصل اول خاتمه کتاب به معرفی گیاه بیخ چینی به عنوان اولین اثری که به طور مکتوب و جامع به بررسی و شرح خواص این گیاه پرداخته است : مؤلف در ابتدای این فصل آورده است :

« پوشیده نیست که ذکر این داروی جلیل القدر کثیرالمنفعت را قدما در کتب متداولهٔ خود نفرموده اند و متأخرین به حسب تجربهٔ تکرار در استعمال در امراض منافع بسیار و فواید عظیم یافته و مشاهده کرده اند؛ لهذا امور متعلقه به طریق که الحال بین الجمهور متعارف است، در ضمن هفت اشاره بیان میشود» (۲۳۶پ)

همانطور که از متن بر می آید وی اولین کسی است که به طور جامع و کامل در اثر خود به معرفی بیخ چینی و خواص این گیاه که تا زمان مؤلف در میان حکیمان چندان شناخته شده نبوده و در ترکیبات ادویه نیز کمتر مورد استفاده قرار می گرفته، پرداخته است. معصومی علاوه بر بررسی دقیق خواص این گیاه، ترکیبات دارویی جدیدی را که حاصل تجربیات شخصی او در درمان بیماران با این گیاه شفافبخش است در ضمن هفت اشاره، در این فصل یادداشت کرده. وی در ادامه می افزاید که حکیم عماد الدین محمود در رسالهٔ خود تنها اشاره ای مختصر به منفعتهای این گیاه داشته است.

در اشارهٔ اول این کتاب نویسنده به نحوهٔ کشف خواص درمانی این کتاب پرداخته و پیشینهٔ آن را به بروز قحطی در جزایر بحر چین بر میگرداند که به سبب یافت نشدن غذا ساکنان آن منطقه به خوردن گیاهان و برگ درختان روی آورده بودند و بیخ چینی چون شیرین و شکننده بوده، خوردن آن را ترجیح میدادند و رفته رفته استعمال آن سبب بهبود بیماران مبتلا به جذام، آتشک، قروح و بواسیر شده و رفته رفته خاصیت آن در درمان سودایی مزاجان نیز آشکار شده است. مؤلف در اشارهٔ دوم و سوم به ذکر طبیعت و نفعهای بیخ چینی پرداخته و سخن خود را در اشارهٔ چهارم با ذکر ویژگیهای گونهٔ با کیفیت این گیاه ادامه میدهد. در اشارهٔ پنجم به ذکر پرهیزهای غذایی خوردگان این گیاه به جهت اثر بخشی بیشتر این گیاه میپردازد و در اشارهٔ ششم نحوهٔ طبخ آن را آموزش میدهد و در اشارهٔ پایانی به ذکر نسخه‌های حاوی این گیاه میپردازد.

۲-۱-۴- رد نسخه‌های منسوخ تجویز شده پیش از او با استناد به سخنان ابن سینا :

در میان ترکیبات دارویی ذکر شده توسط معصومی از داروهای موجود در منابع طب شرقی و اروپایی خصوصاً در فایدهٔ نهم اثر او که به طور اخص به «تفسیر و ترجمهٔ تراکیب و معاجین به زبان یونانی و عربی و فارسی و هندی» اختصاص دارد گاهی به مواردی بر میخوریم که مؤلف ضمن اشاره به فایدهٔ بخشی آن در آرای دیگر حکیمان از پایبندی به مسایل اخلاقی تخطی نکرده و حکم حکیمی بزرگ چون ابن سینا را ارجحتر از تأییدکنندگان آن دارو دانسته و به صراحت به آن اشاره میکند : «معجون شلیثا: یعنی ضامن شده اند اطبا در آن بسیار عجایب بی شمار. شیخ ابوعلی منکر است و میگوید آنچه اطبا گفته اند، من در آن معجون ندیدم» (۲۲پ)

۲-۱-۵- جامع بودن آن از حیث معرفی داروهای مشابه در درمان بیماری واحد

بررسی متن قرابادین معصومی و مقایسهٔ بسامدی میزان معرفی داروهای مشابه در درمان یک بیماری واحد در این کتاب با آنچه که در متون ذخیره خوارزمشاهی و قرابادین شفایی - که پیش از آن نوشته شده اند- و مخزن الادویهٔ حکیم گرانقدر عقیلی خراسانی- که بیش از یک قرن پس از قرابادین معصومی (۱۱۸۵ هـ ق) نوشته شده است- آمده، به خوبی نشان میدهد که هیچ یک به اندازهٔ «قرابادین معصومی» از تنوع تجویز ادویه برای بیماری یکسان برخوردار نیستند.

۲-۱-۶- کاربرد لفظ «مبارک» برای داروهای کثیر المنفعه به شیوهٔ «قرابادین شفایی»

در متن قرابادین معصومی در شرح و یا نام گذاری برخی داروهای کثیر الفایده به شیوهٔ ابتکار عملی که در «قرابادین شفایی» صورت گرفته است از لفظ «مبارک» استفاده شده که البته واضح و مبرهن است که استفاده از این لفظ به سبب شفاعت بودن آن در درمان چند بیماری و نیز مبارک و میمون بودن آن در بیرون راندن عامل بیماری از بدن رنجور فرد مبتلا بوده است. در قرابادین شفایی آمده است :

«روغن آجر: که آن را دهن المبارک گویند، خواص بسیار دارد و گرمتر از نطف سفید بود و لطیفتر و امراض بارده را بغایت سود دارد و جهت گزیدن عقرب و کسی که افیون و بذربنچ خورده باشد، نافع بود.» (قربادین شفایی. یزدی: ص ۵۶۶) در قربادین معصومی میخوانیم:

«معجون درع الصحة، نسخه میر محمد باقر داماد علیه الرحمه: این معجون مبارک بنهایت فایده مند است و از تریاق است. حرارت غریزی نگاه دارد و حفظ بیفزاید و باه را قوت دهد و درد اعضا برطرف کند.» (۴۷)

۲-۱-۷- اشاره به روشهای کشتن فلزات و مواد معدنی و خنثی کردن اثر سوء آنها در ترکیب ادویه: قربادین معصومی در میان کتابهای نوشته شده در طب سنتی یکی از معدود کتابهایی است که بخش جداگانه ای را در فایده سوم این کتاب (در بیان قاعده سوختن و کلس نمودن فلزات و معدنیات) به شیوه سم زدایی از فلزات و مواد معدنی به منظور بکارگیری آنها در ترکیب ادویه اختصاص داده است به طوری که جای خالی آن در «قربادین شفایی» و «ذخیره خوارزمشاهی» با وجود گسترده تر بودن موضوعات به بحث گذاشته شده در آنها نسبت به «قربادین معصومی» محسوس است.

در «قربادین معصومی» آمده است:

«طریق کشتن فولاد: آن است که از فولاد مصفا و تنگها سازند و هلیله و بلیله و آمله از هر یک قدری در دیگ مس جوشانیده و صاف نمایند و دیگر بار در دیگ مس جوش دهند و صفای فولاد را در آتش سرخ سازند و در آن آب فرو برند، باز در آتش تافته خوب سرخ ساخته و در آن آب فرو برند تا بیست و یک بار مکرر صفای فولاد را تافته در آب هلیله جات فرو برند. پس آن را صاف نموده هر چه از ثقل فولاد در ته نشسته باشد، بردارند و مقداری بول گاو فرو برد و باز آنچه از اجزای فولاد ته نشین شده باشد از بول گاو صاف سازند با آنچه از آب هلیلجات جمع شده باشد، ضم کرده، نرم بسایند و در بوته کرده، سر بوته را به گل حکمت محکم کنند و در آتش سرگین گاو بگذارند و هر بار با آب هلیلجات سحق کنند و آتش دهند تا محلی که، بر روی آب نماند و به ته آب ننشیند» (۱۱)

۲-۲- نسخ موجود از قربادین معصومی:

از کتاب قربادین معصومی نسخ متعددی در ایران در دسترس است که به قرار زیر است:

نسخ مرکز اسناد دانشگاه تهران، کدهای دستیابی: ۲۱۳ و ۱۶۸ و ۲۱۴، نسخه کتابخانه مسجد جامع گوهرشاد مشهد، کد دستیابی: ۷۶۴، نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کد دستیابی: ۶۳۲۲، نسخه کتابخانه ملی ایران، کد دستیابی ۱۹۹۵: ف

## ۲-۳- ویژگیهای رسم الخطی

کتابها در ادوار مختلف تاریخی دارای خصوصیات رسم الخطی گوناگونی هستند. ما در این جستار به اختصار به بررسی برخی خصوصیات نسخه خطی متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی به سبب اکمل و اصح بودن آن در میان دیگر نسخ خطی شناسایی شده از این اثر میپردازیم.

- برخی از مهمترین ویژگیهای رسم الخطی این اثر به شرح زیر است:
- در تمام برگهای نسخه «گ» بصورت «ک» کتابت شده است.
  - که کرانی کوش و کرم که در کوش باشد (۱۷۳ر)، کشنیز خشک کوفته و بیخته در دهان بیاشند (۱۸۴ر)
  - در نقطه گذاری غالباً مسامحه شده است.
  - چندبیدستر از هر یک دو درم/چندبیدستر (۸۰پ)، قسط ثلح و فو اسارون / تلخ (۴۵پ)، زنجپنل و فرفیون و عاقرقرا و ریوند چینی از هر یک، یک مثقال/زنجبیل (۱۳۱ر).
  - در جمع بستن کلمه با «های» بیان حرکت به شیوهٔ سبک قرن هفتم «ه» حذف گردیده است.
  - اخلاط غلیظ لزوج و فضلهای بد که در گرده و مثانه باشد، پاک کند (۶۰پ)، و ایرسا پانزده مثقال و انیسون نه مثقال افزوده است، در نسخها نیست (۲۹پ)، قسط و سندروس از هر یک جزوی همه مساوی کوفته و بیخته گلولها (۱۵۶ر).
  - حرف اضافه «به» در اکثر موارد متصل به کلمهٔ بعد از خود نگاشته شده است.
  - ملاحظه کند که بخار آن بدماغ نرسد (۹۳ر)، باعتقاد اهل هند اشتها بیورد (۱۲پ)
  - در برخی موارد کلمات به صورت متصل کتابت شده است.
  - از برای کسیکه عاجز باشد / زرشک بیدانه
  - «می» متصل به فعل نوشته شده است:
  - و از اقراض آنچه داخل تریاقات و معاجین میشود (۶پ)
  - کلمات عربی که به «ت» ختم می شود، گاه با «ه» و گاه با «ت» نوشته شده است.
  - چوب و سفال به جهه آنکه غسل را میخورد (۷ر)، قوت بدهد و صحت چشم نگاه بدارد (۲۱۳ر)، و کحلها که مقوی و بصر است قوه دهد (۲۱۱پ)
  - افعال مرکب اغلب پیوسته نوشته شده است.
  - درد دندان و وسواس را سودمند بود و تبههای دابر برطرف کند (۴۳ر)، بعد از آن غذا میلنموده (۲۳۰پ)، چندان جوشداده که غلیظ شود (۲۲۰ر)
  - در اکثر موارد عدد و معدود پیوسته نوشته شده.
  - بعد از ششماه مقدار شربتی برابر نخودی باشد. (۴۳پ)، کافور قیصوری یکدانگ ونیم (۴۴ر)
  - «است» در مواردی که واژهٔ قبل از آن به صامت یا مصوت «ای» ختم میشود متصل به کلمهٔ قبل از خود نوشته شده است. مانند:
  - بهبتر آنست که اجزای جوارش بسیار نرم بکوبند (۶پ)، مغز پسته پانزده درم؛ چنانکه معمولست با فانید و بسرشند (۱۰۸پ)
  - حرکت ضمه در اکثر کلمات گذاشته شده است. مانند:

- ناصُور و قُروح مُزمن (۹۱پ)، از علف و چُوب پاک نموده و به دستور گُل قند سازند (۱۱۰ر)  
➤ عدم اتصال شناسه فعلی به اسم
- حکمت پژوهان حذاقت آئین که سیاحان گردون مسیراند (۱پ)، قرقومعما که در دواء الخطاطیف داخل است، مشتق اند از زعفران (۲۳پ)
- «ب» مضارع التزامی به صورت «به» و جدا از فعل نوشته شده است:
- مویز و شیرة امله منقی یک من؛ مویز و امله در دوازده من آب به پزند تا دو بهره آب برود (۱پ)، مجموع را به بیزند (۱۵۹ر)
- «نون نفی فعل به صورت «نه» و جدا نوشته شده است .
- و مشقت ساختن و اشکال خوردن با نفع آن نه ارزد (۵۱پ)، هر چند که در این عصر متروک و عبث است و مشقت ساختن و اشکال خوردن با نفع آن نه ارزد (۵۱پ)
- افعال همراه با «ب» تاکید به کار رفته است.
- تبهای بلغمی و امراض رطوبتی بتحلیل برد (۱۰۵ر)، بگیرند از دانه مورد رسیده، مقداری که خواهند، بکوبند و بفشارند و صاف نموده، بجوشانند و بقوام آورند. (۱۱۲ر)
- عدد دویست به صورت «دوصد» نوشته شده است :
- صد و شصت مثقال و به درم دوصد و هشتاد درم بود (۲۱پ)، چوب چینی خوب کوبیده نباشد دو صد و پنجاه مثقال (۲۲۷ر)
- اعداد کسری به سه صورت صورت ذکر شده است.
- ۱- دو عدد پشت سر هم آورده شده است :
- ورق طلا و نقره هر یک، پنجاه ورق، فولاد مکلس ده یک. همه دواها (۵۲ر)، پس پنج رطل از این آب با سه رطل مثلث جوش دهند تا سه، یک بماند (۱۱۲ر)
- ۲- همراه با «ک» تصغیر
- سعد بیست درم؛ امله ده درم؛ قند کهنه یک چارک، (۱۰۷پ)
- ۳- به صورت عربی
- و به آتش نرم جوش دهند تا ثلث بماند، نگاه دارند (۱۳پ)، سرمه اصفهانی دو درم؛ نمک اندرانی ربع درم (۲۱۴ر)
- پیوسته نوشتن نشانه مفعولی و مفعول
- پس تخمرا در سفال بریزند و از آتش فروگیرند (۱۵پ)، پس آنرا در میان روغن تاتوره بجوشانند (۱۸ر)
- عدد ۱۸ را به هر دو صورت «هژده» و «هجده» نوشته است.
- صبر سقوطی هژده درم (۱۸۵)، باز سرکه را تازه کنند و تا هجده روز سه بار سرکه تازه کرده (۱۶پ)
- «پ» در کلمات فارسی گاهی به «ف» بدل شده است

فادزهر آزموده وقرنفل و فرفیون و قسط بحری و یاقوت و کهربا (۲۶۲ر)، اشاره سیم از فصل دویم از خاتمه کتاب : در بیان کیفیت خوردن فادزهر(۴۶۰پ)

۲-۳-۱- تنوع در نگارش: بررسی متن قرابادین معصومی نشان میدهد که مؤلف در بکارگیری واژگان و نیز شیوه‌های نگارش و خطاطی از قاعده خاصی پیروی نمی‌کند. مواردی از آن به شرح ذیل است: ۲-۳-۱-۱- گاهی یک کلمه به چند صورت نوشته شده است .

➤ گلاب- جلاب

کوفته و بیخته به دستور با جلاب شکر طبرزد قوام آورده، بسرشند(۸۷پ)، همه را در سیصد مثقال فانید که در گلاب و آب در پاتیله گذاخته... (۷۴پ)

➤سک/ سرکه

چهار روز در سرکه بخیسانند پس از سرکه برآورند(۹۷ر)، و اذخر و سک و قرنفل و دارچینی از هر یک، دو درم(۱۷۷پ)

➤بالنگو/بادرنجبویه

هلیله سیاه و تمر هندی از هر یک، ده درم؛ گاو زبان و بالنگو از هر یک، چهار(۱۶۵ر)، و بهمنین و زرنباد و بادرنجبویه از هر یک سه درم(۲۲۶ر)

۲-۳-۱-۲- تنوع در نگارش کلمات با شنگرف یا مرکب سیاه : در این نسخه اکثر کلمات یا عبارت مهم مانند عناوین بابها، فصلها و مقالات ، عبارت «صفت آن» یا «ص» و نیز عنوان داروها با شنگرف نوشته شده است؛ اما استثنائاتی نیز مشاهده میشود.

➤ گاهی دیده میشود که نقطه گذاری مدخلها و یا نشانه‌هایی چون مد و یا همزه نشانه کسره با مرکب سیاه نوشته شده است:

انقرویا<sub>۶</sub> کبیر(پ)/انقرویا<sub>۶</sub> صغیر(همان) ؛ حرف «ء» با مرکب سیاه نوشته شده است، بخوری(۱۴پ) نقطه «خ» با مرکب سیاه گذاشته شده است .

➤گاه دیده میشود که برای حرکت گذاری حروف مدخل از مرکب سیاه استفاده شده است: مانند : انقرویا (۶-ر)

➤گاهی عنوان دارو کاملا با شنگرف و گاهی قسمتی از آن با مرکب سیاه و قسمتی با شنگرف نوشته شده است:

تریاقی که دفع ضرر مسموم میکند(۱۷پ)، کل عبارت به شنگرف نوشته شده، سفوفی که اسهال معدی را نافع باشد (۶۳پ)، سفوف به شنگرف و مابقی با مرکب سیاه نوشته شده.

➤ گاهی بخشی از یک مدخل با مرکب سیاه و پاره ای از آن با شنگرف نوشته شده است:

امروسياه(۷ر) «مر» با مرکب سیاه و بقیه حروف با شنگرف نوشته شده است. شیاف ثقل(۸۸پ) سمع حرف «ق» با مرکب سیاه نوشته شده است.

➤ در برگ (۷۹ر) رکابه «نسخه دیگر» با شنگرف نوشته شده است.

۲-۴- بررسی برخی ویژگیهای برجسته سبک شناسی در قرابادین معصومی :  
همانطور که در کتابهای تاریخ ادبیات میخوانیم نثر فارسی در دوره صفویه تحت تأثیر فتنه مغول و تاخت و تازهای تیموریان صلابت و استواری پیشین خود را از دست میدهد. آثار به وجود آمده در این دوره از سویی به سبب اختلافات مذهبی صفویان و عثمانیان و کوچ کردن بسیاری از علمای شیعه به ایران و به طبع آن رواج زبان عربی در میان نویسندگان ایرانی به عنوان زبان علمی، انباشته از کلمات عربی است و از سوی دیگر تحت تأثیر آغاز فصلی نوین در ارتباطات میان ایران و کشورهای اروپایی و آسیای شرقی و مبادله علوم میان آنها و امدار بسیاری از کلمات ترکی، سریانی، یونانی، هندی و ... است. (طب در دوره صفویه. الگود: ص ۱۰۷)

از دیگر ویژگیهای نثر صفوی اطناب، تکرار مترادفات، بهره گیری از قوانین نحو عربی و در عین حال سادگی و عوام فهمی است که بیشتر در نثرهای علمی، تاریخی و توصیفی دیده میشود. (سبک شناسی نثر. بهار. ج ۳: ص ۳۰۵) مؤلفان در اکثر کتابهای علمی دیباچه، سرفصلها و خاتمه کتاب را با نثری آهنگین و در عین حال مصنوع و متکلف آغاز میکنند؛ اما به محض ورود به مبحث اصلی، کلامشان به سادگی میگراید. (تاریخ ادبیات ایران. صفاج: ۴: ص ۵۵۸)

«قرابادین معصومی» نیز از ویژگیهای یاد شده مستثنا نیست. مهمترین ویژگیهای سبکی این اثر به شرح زیر است :

#### ۲-۳-۱ سطح زبانی

بسامد استفاده از لغتهای عربی در متن بسیار بالاست تا جایی که نویسنده حتی در مواردی که براحتی میتواند از واژه ای فارسی استفاده کند، بکار گیری لغات عربی را ترجیح میدهد؛ اما با این وجود عبارت یا جمله ای که کاملاً عربی باشد کمتر یافته میشود :

قالله کبار و شیطرچ هندی و لسان العصفیر و درونج عقربی(۴۲پ)، و مازوی سبز سوخته و خبث الحدید از هر یک، سه درم (۱۸۰پ)، در موضع لدغ مارگزیده وعقرب زده طلا کنند. (۲۲۸پ)، مری که به فارسی آبکامه گویند و به عربی مری گویند. (۱۶۲ر)، کتاب المیمونه الموسومه به قرابادین المعصومی(۱پ)، خشک است در آخر دو درجه اول و الله اعلم بالصواب(۲۷پ)

میزان استفاده از واژه های هندی، یونانی، سریانی و رومی به سبب استفاده از منابع معتبر نوشته شده در این زبانها توسط مؤلف در متن قرابادین معصومی بالا است :

• هندی:

آب پهنکره مقداری که اجزا در آن خیسانیده شود (۱۸۰پ)، شیطرچ هندی و سادج هندی از هر یک، چهار درم (۸۸ر)

• یونانی:

افتیمون و اسطوخودوس و حجر ارمنی و بسفایح و غاریقون و کمافیطوس و تربد سفید و ایارج فیکرا (۶۶پ)، سقمونیا: بدلش حب الخروع است(۶۹پ)

• رومی:

سقنقور: بدل آن سمکه صید است (۲۱ر)

• سریانی:

و شیاف مامیثا و افاقیا و گلنار از هر یک یک جزو برابر هم کوفته(۱۸۲پ)، قوقایا به سریانی سر است(۲۳پ)

➤ جملات کوتاه و مستقل

دو نیم من آب بجوشانند و صاف نموده و با قند بقوام آورند. (۱۰۸پ)، طبع را نرم دارد و جگر را قوت دهد، تفتیح سده کند و یرقان را نفع دهد.(۱۲۴پ)

➤ تقدیم فعل به شیوه نثر عربی و در هم ریختگی اجزای جمله

بگیرند، آهک آب ندیده، مقداری که خواهند(۱۰ر)، گرم است در یک درجه و ربع، خشک است در اول و سیم(۲۶پ)

➤ کاربرد افعال در وجه وصفی

مجموع را در آب صاف خیسانیده، بجوشانند و دست مالیده.(۱۰۸ر)، با روغنها جوش داده تا آب رفته، روغن بماند. (۱۹۵ر)

➤ کاربرد افعال پیشوندی

اندک اندک در هاون نگاه دارند و آب آن فرو برند.(۱۰۹پ)، با آب مرزنجوش در بینی برکشند. (۱۷۴پ)، قلمی در در دهان گرفته، فرو کشند.(۲۳۰پ)

➤ تکرار

آب سیب و آب به و آب انارین و آب حماض و عرق بید مشک و گلاب از هر یک بیست مثقال(۳۶پ)، پس تا یک سال گاهی در میان شیر و گاهی در میان روغن و گاهی در میان دیگ طعام و گاهی با آب برگ گیاهان بیندازند(۱۸ر)

➤ نمونه های تخفیف در برخی لغات

که گذشته بود[ز] هجرت هزار و پنجه و نه(۲پ)، در کیسه کتان کرده در سه، چار یک گلاب بجوشانند(۹۷پ)، مصطکی سوده در آن آمیخته و در ظرف شیشه نگه دارند.(۱۰۰ر)

➤ کاربرد «به» در معنی «با»

آلوجه سلطانی مقداری که خواهند در دیگ سنگی دو-سه جوش دهند و فرو گرفته و دیگر با عسل یا به قند بجوشانند(۱۱۱پ)، اجزا کوفته و بیخته به روغن گاو چرب نموده به سه چندان عسل بسرشند.(۸۸پ)



➤ «به» در معنی «از»

به ترش یا شیرین از هر یک جدا یا با هم هر چه خواهند. (۱۰۰ر)

➤ کاربرد قید تکرار

بعضی بالنگو و نعناع داخل کرده اند لحظه لحظه کیسه دواها را بمالند. (۱۰۱پ)، و سه مثقال روی سخت، نرم صلایه کرده، اندک اندک به خورد سیماب بدهند. (۱۸ر)، و قطره قطره در بینی چکانند و به نفس بالا کشند. (۱۷۵ر)

➤ جمع بستن کلمات عربی با نشانه های جمع فارسی

و تبهای مرگب مزمن را سودمند بود و دیگر نفعها بسیار دارد. (۴۰ر)، آنچه کوفتنی باشد، بکوبند، و صمغها و قرصها در شراب بخیسانند. (۷۸ر)

➤ جمع بستن کلمات فارسی با نشانه های جمع عربی

آب انارین و آب حماض و عرق بید مشک و گلاب از هر یک بیست مثقال (۳۶پ)، بهمینین و فوفل سفید و زیره کرمانی مدبر بوداده. (۳۰پ)

➤ بسامد بالای استفاده از کلمات معرب

چیزی به طریق شنجرف جمع میشود. (۱۲ر)، یک عدد نارجیل درست از مغز خالی نموده. (۱۹۱ر)، شکر سرخ ده درم در آخر اضافه نموده در جلاب آمیخته، بیاشامند. (۱۶۵ر)

➤ کاربرد ضمیر «او» و «وی» برای غیر جاندار

اقاقیا: بدل آن خرنوب است و گویند حضض، بدل وی است. (۱۹پ)، همه را نرم ساییده، قدری از وی با روغن نیلوفر در بینی بکشند. (۱۷۴پ)

➤ استفاده از برخی کلمات فارسی که هم اکنون واژه عربی آن معمول است.

• گرده به جای کلیه

ضیق النفس و خناق بلغمی و درد گرده و مئانه را سود دهد. (۲۷پ)، دل و دماغ و جگر و گرده را قوت دهد و غشی و خفقان و توحش و وسواس (۳۷ر)

• سپرز به جای طحال

بادها بشکند و سده جگر و سپرز بگشاید (۴۶ر)، صلابت سپرز را نرم کند و سده بگشاید و درد معده و گرده و تب کهنه و امراض بارده را نافع باشد. (۶۸پ)

➤ کاربرد فراوان بای تاکید بر سر افعال

شکوفه به آنچه خواهند، برگ شکوفه را بگیرند و با قند در هم بمالند و به دستور گل انگبین در آفتاب بگذارند. (۱۱۰پ)، پوست ترنج در دیگ کند، دو-سه جوش بدهند و از دیگ برارند و

بشویند (۱۱۱ر)

➤ ساختن صفت از اسم + ین

یا سنگین یا مسی که تازه قلعی شده باشد(۷پ)، قرصها ساخته، در ظرف گلین نهند(۱۴پ)، در دیگ گلین بالای هم بگذارند(۱۲پ)  
➤ کاربرد فراوان واژه‌های مترادف در متن.

• قرحه/زخم/ریش

قطوری که سوزش و قرحه و ریش مجرای بول و حرق البول را... (۱۷۴پ)

• متلاشی/مضمحل

چندانکه اجزای سیماب متلاشی و مضمحل شود.(۱۷پ)

• قی/غثیان/تهوع

تقویت معده کند و فواق بنشانند و قی و غثیان و تهوع باز دارد.(۹۹پ)، و قی و غثیان برطرف سازد و رنگ را صاف کند.(۱۹۷)

• سمس/کنجد

جوارش سمس: شهوت طعام بیاورد و معده را قوت دهد، کنجد مقشّر ده دم. (۸۶پ)

• نظرون/بوره ارمنی

نظرون و راتینج از هر یک جزوی با قدری موم و روغن گل(۱۳۰پ)، بوره ارمنی: بدل آن نمک تلخ بود.(۱۹پ)

➤ کاربرد انواع «را»

• «را» به معنی «برای»

خنازیر و بیماری سوداوی و بلغمی را سودمند بود و منافع این بسیار است، خصوص خداوند خنازیر را(۹۰)، صفرا دفع کند و طبع را نرم دارد و محروری مزاج را موافق و مناسب باشد، جزام را نافع باشد. (۹۳ر)

• «را» به معنی «از»

قدر حاجت به همین روغن حل نمایند چنانچه اثری را صموغ معلوم نشود.(۲۰۲ر)

➤ کاربرد «چنانچه» به جای «چنانکه»

چنانچه اهل تحقیق، تحقیق کرده اند و میگویند(۲۶پ)، بر مزه با ادویه مناسب عرق میکشند چنانچه اشاره هفتم که به معاجین و عرق(۲۲۵ر)

➤ استفاده از فعل «نهادن» به جای «کردن»

در ضمیر افلاطون نشان ربع مسکون، به قدر کفایت ذخیره نهاده تا سایر عبادالله از نتایج آن بهره‌مند باشند(۱پ)، شنیده شد که سکان جزایر بحر چین سالی از بسیاری قحط و تنگی و نیایی اطعمه روی در بیشه‌ها و جنگلها نهاده(۲۲۲پ)

➤ کاربرد «سیم» به جای «سوم» و «دویم» به جای دوم

روز سیم آنچه اجزا کوفتنی باشد نیم کوب نموده (۲۲۷ر)

فصل دویم: در سفوفات ممستک و غیرممستک و مقوی (۳پ)

➤ واژههای فریبکار: منظور از این واژهها، کلماتی است که صورت لفظی آنها در متون ادبی باقی

مانده؛ اما معنی آنها تغییر کرده است. (واژههای فریبکار. سمعی: ص ۱۳۲)

• «خداوند» در معنی «صاحب»: خداوند بیماریهای صفاوی را سود دارد (۱۸۸پ)

• «مثلث» در معنی «چیزی سه بخشی»: افیون را در مثلث حل کنند و عنبر را در روغن بلسان بگذارند. (۱۳۷ر)

• «گونه» در معنی «رنگ»: قوت باه بیافزاید و گونه را سرخ سازد. (۳۹ر)

• «خانه» در معنی «اتاق»: یک هفته در خانه گرم بگذارند. (۱۰۷پ)

• «مردم» در معنی «انسان»: در ذکر معاجین مشهور قلیل المایه کثیر المعانه مستعمل که احتیاج مردم به آن بیشتر است. (۶۸ر)

• «علت» در معنی «بیماری»: اگر ده روز متواتر بخورند، ماده این علت از بدن پاک سازد. (۹۰پ)

• «دلیل» در معنی «نشان»: زیرا که دوی سرد و معتدل از افعال مذکوره قاصر است، و دلیل بر آنکه حرارت در بدن احداث نمیکنند. (۲۱۸ر)

➤ کاربرد کلمات و افعال کهن:

پاتیل/پاتيله :

باز پنج من آب صاف اضافه کنند و در پاتیل به آتش ملایم جوش داده. (۱۰۴ر)، آب انگور رسیده شیرین بیدانه از مقداری که خواهند در پاتيله کنند. (۱۰۱ر)

• فانید

شیره فلوس خیار شنبر تازه نیم من و فانید سه من، اندرین آب حل نموده (۶۱پ)، فانید سه وزن ادویه کوفته و بیخته همراه فانید معجون سازند. (۵۷ر)

• سحق کردن

ورق طلا و نقره را محلول همراه جواهرات، مکرر با شراب مذکور سحق کنند. (۴۹پ)، دو وزن مس، گوگرد زرد با شیره صبر تازه سحق کنند. (۱۲پ)

• شوصه

سرفه کهنه و درد سینه و شوصه و درد معده و جگر را سودمند بود. (۷۲پ)، صداع و تبهای صفاوی و سرفه و ذات الجنب و شوصه را نافع باشد. (۶۰ر)

• طلا کردن

همه مساوی در وزن، کوفته و بیخته به عصاره کاهو سرشته، در وقت حاجت بر صدغین طلا کنند. (۱۴۰پ)، در سعفة اطفال طلا کردن سودمند بود. (۱۴۲پ)

- گردکان  
مغزگردکان و کنجد مقشر هر یک بیست درم؛ بلاد پنج عدد کوفته (۱۶پ)، گزر تراشیده یک من پخته در هاون چوبی نرم بکوبند و مغز پسته و مغز گردکان و مغز بادام و مغز نارگیل (۱۶ر)
- مهرا کردن  
اجزا را مساوی کوفته و بیخته در قدری آب طبخ نمایند تا مهرا شود. (۱۸۱ر)، خرما می فربه بیدانه دو من، در دو من آب بجوشانند تا مهرا شود. (۱۶ر)
- کفچه زدن  
یک دانگ مشک و یک دانگ زنجبیل و یک پیاله گلاب به آتش ملایم کفچه زنند تا زمانی که پخته شود. (۱۶ر)
- امرود  
آب انار شیرین و آب به و پوست هلیله و آب سیب و آب امرود (۵۶ر)، آب سیب و آب امرود و گلاب و صندل و کافور از هر یک قدری با گلاب آمیخته، بپویند. (۱۵۶پ)
- دور کردن  
همین که به جوش آید به قدری سرکه کهنه در دیگ اندازند که شیر بریده شود و از آتش برداشته، صاف نموده و پنیر از آن دور کرده. (۱۵۸ر)، گوشت تازه از پشت ماده گوسفند که همان ساعت کشته باشند، جدا نموده و کباب کنند و چربی و فربهی از آن دور سازند. (۱۵۸پ)
- صلایه کردن  
دار فلفل و شنجرف شسته به آب لیمو نرم صلایه کرده. (۴۷پ)، و به وزن مجموع نمک بریان کرده. همه را با هم خوب صلایه کنند. (۱۸ر)

#### ۲-۴-۱- ویژگیهای ادبی

با آنکه قرابادین معصومی اثری است پزشکی که در علم داروسازی تألیف شده است؛ اما در تعداد اندکی از برگها استفاده‌های محدود از آرایه های لفظی و معنوی را میتوان مشاهده کرد که جز در دیباچه و سطرهای پایانی کتاب در بقیه موارد نه به قصد آفرینش یک اثر ادبی بلکه با توجه به موضوع کتاب و بنا به ضرورت انواع گیاهان، مواد معدنی، اجزای حیوانات و مزاجهای مختلف در کنار هم فهرست شده و گونه هایی از مراعات النظیر، تکرار و تضاد را پدید آورده اند. کاربرد تشبیه و استعاره در متن انگشت شمار و به سادهترین صورت ممکن است. نمونه هایی از کاربرد آرایه های لفظی و معنوی به کار رفته در این کتاب به قرار زیر است.

➤سجع متوازی :

مهر درخشنده سپهر فتوت، بدر فروزنده فلک مروت (۲۳۱پ)

### ➤ ازدواج:

حضرت قادر متعال ثمره شجره سبزی و سروری سزاوار و برازنده اورنگ بلند اختری (۲۳۱پ)، دامنگیر خاطر فاتر اضعف عبادالله (۲ر)، در ذرورات که در قروح و جروح مستعمل است. (۳پ)

### ➤ سجع مطرف :

نوشداروی مقبولش در مذاق حال سازگار و مطبوخ و حلویاتش خوشگوار و شربت گلکند به ماء الحیات زندگانی برقرار (۲۳۱پ)، تحمیدی که لسان اعتذار تذکار سبحان صوامع افلاک (۱پ)، و مخاطب به خطاب مستطاب ﴿إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى﴾ است (۲ر)

### ➤ سجع متوازن:

هوشمندان دانش گزین، محجوب و مستور نخواهد بود (۲ر)، در سلک ترقیم و تحریر (۲ر)

### ➤ مراعات النظیر

و همچنین اختلاف مزاج مرکب را گرمی و سردی و تری و خشکی از مفردات آن اجزاء تحقیق نموده. (۲۶پ)، تا به دستیاری عطاران شمال و جنوب و صبا و دیور قوای نامیه را قوت اهتزاز پدید آید. (۱پ)، فادزهر آزموده شش قیراط، مرواید ناسفته و یاقوت رمانی (۲۳۱ر)

### ➤ تضاد

بعد از آنکه در حرارت و برودت و رطوبت و بیبوست مساوی باشند. (۲۶پ)، بعد از شش ماه صبح یا شب در وقت فرو بردن (۹۱ر)

### ➤ تشبیه

پیک تیزرو افهام دانشمندان حکمت گزین که مالک (۲ر)، شاه باز بلند پرواز اوهام حکمت پژوهان حذاقت آیین (۱پ)، سیماب... چون دانه مروارید سفید گردد (۱۸پ)

### ➤ استعاره

کام جان را در شهد شهادت اسلام و گل قند ایمان (۲ر)، که به نبض یری دست لطفش، رنجور آن علت گناه از شربت عناب شفاعتش شفا یافته ند (۲ر)

۲-۴-۲- سطح فکری : با توجه به اینکه قربادین معصومی کتابی است علمی، نمیتوان سطح فکری مشخصی را برای آن تعیین کرد؛ اما بدون شک علاقه معصوم بن کریم الدین شوشتری شیرازی به فن داروسازی و درمان بیماران سبب نگارش چنین اثری شده است. همچنین ارادت و اعتماد مؤلف به حکیمان بزرگی چون ابوعلی سینا، مجوسی اهوازی، ابن جزله، ابن عوض کرمانی و سید اسماعیل جرجانی با ذکر نسخه هایی از آنها در جای جای کتاب به چشم میخورد. دقت به جای گذاشتن اثری جامع توسط نویسنده قربادین معصومی سبب مراجعة وی به آثار بیش از چهل نویسنده و حکیم متقدم و متأخر ایرانی و انیرانی شده که در فصلهای مختلف کتاب از آنان نام میبرد.

### ۳- نتیجه

از آنچه که گذشت مشخص میشود که کریم الدین شیرازی نه تنها حکیمی است حاذق است که تجربیات خویش و دیگر پزشکان هم عصر و پیش از خود را در قالب کتابی جامع در اختیار ما قرار داده است؛ بلکه در روزگاری که اکثر آثار نوشته شده در عصر صفوی در سایه نفوذ صرف و نحو زبان عربی و بی - توجهی درباریان به کتب علمی دچار ضعف تألیفند تا حد ممکن از ویژگیهای نثر فارسی و توانمندی آن بهره جسته و با نثری شیوا و رسا به انتقال مفاهیم علمی پرداخته است. اگرچه مؤلف به سبب موضوع کتاب و شرایط حاکم در عصر صفوی ناگزیر به استفاده از کلمات ثقیل عربی، هندی، سریانی، یونانی و... است؛ اما تلاش وی برای حفظ سادگی و عوام فهمی نثر کتاب با بکار بستن عبارات کوتاه بر خلاف اطناب رایج در این دوره قابل ستایش است. ضمن آنکه استفاده از آرایه های ادبی در متن کتاب هرچند بسیار اندک است و به قصد تحریر یک اثر ادبی انجام نشده؛ اما در تلطیف موضوع کتاب تأثیرگذار بوده است.

### فهرست منابع

#### الف) کتابها

۱. «قرابادین»، سلطانی نژاد، کامران، (۱۳۹۲)، هفته نامه پزشکی امروز، شماره ۹۸۰. ص ۷.
۲. «واژه های فریبکار»، سمیعی، احمد، (۱۳۷۶)، ترجمه حکیمه دسترنجی، نامه فرهنگستان، سال سوم، شماره یادزده، صص ۱۳۱-۱۴۷.

#### ب) مقاله

۱. تاریخ ادبیات ایران. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۳)، تلخیص از دکتر محمد ترابی، جلد سوم، چاپ ششم، تهران: انتشارات فردوسی.
۲. تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح اله، (۱۳۸۷)، جلد چهارم، چاپ هجدهم، تهران: انتشارات فردوسی.
۳. ذخیره خوارزمشاهی، جرجانی، سید اسماعیل، (۱۳۸۰)، تصحیح و تحشیه: محمدرضا محرری، تهران: موسسه انتشارات نزهت.
۴. سبک شناسی نثر، بهار، محمد تقی، (۱۳۷۳)، جلد سوم، چاپ هفتم، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۵. طب در دوره صفویه، الگود، سیریل، (۱۳۵۷)، ترجمه: محسن جاویدان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال الدین، (۱۳۸۱)، چاپ بیستم، تهران: موسسه نشر هما.
۷. قانون در طب، ابن سینا، حسین، (۱۳۷۰)، ترجمه دکتر عبدالرحمن شرفکنندی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سروش.

۸. قربادین شفایی، حسینی شفایی، مطفر بن محمد، (بی تا)، به کوشش عبدالغفور یزدی، اصفهان: مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان.
۹. قربادین معصومی، شیرازی، معصوم بن کریم الدین، (۱۰۵۹هـ.ق)، نسخه خطی شماره ۶۳۲۲، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
۱۰. کلیات سبک شناسی، شمیسا، سیروس، (۱۳۸۸)، چاپ سوم، تهران: میترا.
۱۱. مخزن الادویه، عقیلی خراسانی، سید محمد حسین، (۱۳۸۷)، به کوشش حسین حاتمی، تهران: وزارت بهداشت.